

اگر چند سالی به عقب برگردیم «صبح جمعه با شما» شناسنامه طنز رادیو بود. روزهایی که زنده‌یاد منوچهر نوذری با استفاده از قدرت جادویی صدای اساتیدی همچون زنده‌یاد فرهنگ مهرپور، منوچهر والی‌زاده، حسین عرفانی و شهلا نظریان که همگی از هنرمندان توانمند عرصه دوبله بودند، یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌های تاریخ رادیو در ایران را به شکل هفتگی تولید و پخش کردند

نگاهی به فرازونشیب قدیمی‌ترین رسانه شنیداری در سال‌های بعد از انقلاب

عملیات احیای پادکستی رادیو



این حقیقتی غیرقابل انکار است که رادیو طی دودهمه اخیر به دلایل مختلفی از جمله رشد انفجاری شبکه‌های اجتماعی و رقابت سهمگین فعالان صنعت فیلم و سریال برای در اختیار گرفتن بخش بیشتری از سبد سرگرمی خانواده‌ها، عملاً به حاشیه رانده شده. این در حالی است که در روزگاری نه چندان دور، رادیو به دلیل آن که سریع‌ترین، سهل‌الوصول‌ترین و ارزان‌ترین رسانه جمعی بود و همچنین به دلیل ارتباط مردم با این رسانه و اساساً ماهیت گرم آن، رسانه‌ای کارآمد در شرایط بحرانی به شمار می‌آمد و آن را به عنوان «رسانه بحران» می‌شناختند. اما با این همه رادیو در این یکی دو سال اخیر به واسطه رشد رسانه‌های شنیداری، بیش از قبل مورد اقبال مخاطبان قرار می‌گیرد. پادکست یا همان برنامه‌های رادیویی بر بستر اینترنت، در این یکی دو سال اخیر بیش از همیشه در میان مخاطبان گل کرده است و همین اقبال به رسانه‌های شنیداری باعث شده تا امیدها برای احیای دوباره رادیو و بازگشت این رسانه مهم و اثرگذار به روزهای طلایی آن زنده شود.

حسین مبارکی
خبرنگار

همدلی مردم و رادیو در سایه جنگ!

درست در روزهایی که شرایط جنگ تحمیلی دستخوش کمی رکود شده بود، راه‌اندازی «رادیو جبهه» در سال‌های میانی دهه ۶۰ روحی تازه در فضای آن دوران دمید. روزهایی که در آن اساتیدی همچون اکبر اوری، مجید جیرانپور، محمد رضا نظام اسلامی، اسماعیل براری، احمد طبعی، مهدی فوادیان، عباس سنجر، شهید اکبر سعیدی، اردشیر تفقد راد و محمد امام جمعه برای تهیه گزارش از جبهه و فعالیت‌های رزمندگان به شکل نوبتی عازم جبهه‌ها می‌شدند و چهره‌هایی چون مهران دوستی، محمد حسنی نورشاهی، محمود کریمی، علیرضا کریمی، علیرضا معینی و نصرت... اکبری گویندگان این شبکه بودند.

تجربه جدیدی که کاربردهای رادیو را از یک رسانه جمعی به یک رسانه مردمی و ملی ارتقا داده بود؛ از یک سوزرمانندگان حاضر در مناطق عملیاتی و جنگی از طریق بلندگوهای نصب شده روی ماشین‌ها از برنامه‌های این شبکه مطلع می‌شدند و از سوی دیگر مردم کوچه و بازار نیز گزارش‌های خطوط مقدم را به شکل دست اول یا در اصطلاح «داغ‌داغ» می‌شنیدند. دورانی که باید آن را روزهای همدلی مردم و رادیو دانست. روزهای مانوس بودن مردم با رادیو که ثمرات زیادی از جمله اعتماد گسترده مخاطبان به این رسانه جمعی را در پی داشت.



لذت صبح‌های جمعه همراه با رادیو

رادیو همیشه از تلویزیون جلوتر بوده است! شاید پذیرفتن این جمله برای خوانندگانی که این متن را می‌خوانند کمی سخت باشد ولی نمی‌توان منکر شد که ذات هنر صدا، از خودنمایی‌های صنعت تصویر دور است و همین دور بودن از تیرج‌هاست که باعث سالم ماندن رادیو در حوزه حرفه‌ای نسبت به صنعت تصویر است.

بد نیست اگر چند سالی به عقب برگردیم و مروری بر روزهایی داشته باشیم که «صبح جمعه با شما» شناسنامه طنز رادیو بود؛ روزهایی که زنده‌یاد منوچهر نوذری با استفاده از قدرت جادویی صدای

اساتیدی همچون زنده‌یاد فرهنگ مهرپور، منوچهر والی‌زاده، حسین عرفانی و شهلا نظریان که همگی از هنرمندان توانمند عرصه دوبله بودند، یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌های تاریخ رادیو در ایران را به شکل هفتگی تولید و پخش کردند. «صبح جمعه با شما» بیش از دو دهه جایگاهی بسیار ارزشمند در میان مردم داشت و حتی برخی از شخصیت‌های آن از جمله «آمیز الطمع»، «ملون»، «دست و دلباز» و «کارمند کوچولو» به مرور وارد فرهنگ عامه جامعه ایرانی شدند.

رادیوی ستاره‌ساز فرصت‌سوز!

هر چند که رادیو بعد از دوران درخشانش در سال‌های دهه ۶۰ و کمی هم در دهه ۷۰، در مقطعی دستخوش چالش‌های جدی از جمله کوچ هنرمندان رادیو به سمت تلویزیون و سایر بسترهای رسانه‌ای شد اما نباید فراموش کرد که بسیاری از چهره‌های مهم این سال‌های تلویزیون شاگردان سال‌های دور رادیو هستند که این روزها از اندوخته‌هایشان در رادیو به شدت استفاده می‌کنند. آنهایی که از قدیم‌الایام مخاطب رادیو بودند حتماً شب‌های تابستان سال ۸۷ را به یاد دارند که فرزند حسنی با آن شیوه خاص اجرایش حوالی ساعت ۹ شب برنامه‌اش را در «رادیو جوان» اجرا می‌کرد. برنامه‌ای که بعدها الگوی ساخت بسیاری از برنامه‌های دیگر شد و اتفاقاً

پادکست

یک شانس تازه

همه آدم‌ها در زندگی گاهی نیازمند آن هستند که یک فرصت دیگر برای جبران اشتباهات خود پیدا کنند؛ رسانه‌ها هم با آن ذات پویا و همواره در حال تغییر خود دست کمی از آدم‌ها ندارند؛ پس چرا این شانس تازه و فرصت جبران در اختیار آنها قرار نگیرد؟ «پادکست» همان فرصت تازه‌ای است که می‌تواند رادیو و به طور کلی رسانه‌های شنیداری را احیا کند.

پادکست که خلق آن را باید مدیون فناوری‌های نوین دانست؛ حالا تبدیل به بخش مهمی از زندگی بسیاری از مخاطبان به ویژه در میان نسل جوان شده است. این اقبال بالا را باید نتیجه انتخابی بودن محتوای پادکست هم دانست. در شرایطی که در رادیو باید منتظر آغاز برنامه مورد علاقه‌تان باشید اما پادکست همچون همه رسانه‌های نوین، خاصیت انتخاب دارد و این دقیقاً یعنی همان چیزی که نسل جوان از محتوای رسانه‌ای می‌خواهد. این نکته را هم باید به آن اضافه کرد که اساساً مزیت رسانه‌های شنیداری به نسبت رسانه‌های دیداری و تصویری در این است که می‌توان همزمان با استفاده از رسانه‌های شنیداری به انجام کارهای دیگر هم مشغول شد اما ذات رسانه‌های تصویری مانع ایجاد چنین امتیاز مهمی برای آنهاست.

همه این موارد دست به دست هم داده تا در این یکی دو سال اخیر شاهد حضور برخی چهره‌های شاخص در حوزه تولید پادکست باشیم و با توجه به اقبال عمومی از تولید این قبیل محصولات، تنوع موضوعی پادکست‌های تولید شده نیز به شدت بالا برود. حالا در دهه ۹۰ که همه چیز تحت تاثیر اینترنت قرار گرفته، می‌توان از دلایل موفقیت پادکست به عنوان یک رسانه شنیداری اینترنتی برای بالا بردن تعامل مخاطبان با این رسانه قدیمی و موثر نیز الگو گرفت؛ رسانه‌ای که اتفاقاً حالا جانی دوباره گرفته و برخی از چهره‌های سرشناس تلویزیونی نیز مشتاقانه طالب اجرای برنامه در آن هستند، البته به شرط آن که رادیو سعی کند تا مزیتی نسبی برای خود ایجاد کند؛ مزیتی که این رسانه را به جایگاه حقیقی‌اش بازگرداند.

فرزاد حسنی هم همچون برنامه‌اش بعداً تبدیل به یکی از مهم‌ترین مجریان تلویزیون شد. رادیو در سابقه تاریخی‌اش اسباب معرفی چهره‌های بسیاری به سایر عرصه‌های هنری شده هر چند که برخی اشتباهات در برهه‌های مختلف از یک سو و فضای خاص رسانه‌ای جهان و هجوم شبکه‌های اجتماعی بر سایر قالب‌های رسانه‌ای از سوی دیگر، باعث به حاشیه رانده شدن رادیو شد.